به یاد بدیع الزمان فروزانفر

مصفا، مظاهر

کارکرد و ارزش‏های سنّتی در مسیر حرکت خود با جامعه‏ی جهانی‏ نمی‏پذیرفت.مدت‏هاست که زورخانه جاذبه‏ی اجتماعی،فرهنگی و ورزشی خود را در جامعه و میان اقشار گوناگون مردم،بویژه جوانان، از دست داده و از اثر و نفوذ آن کاسته شده است.همان طور که‏ قهوه‏خانه،نهاد وابسته به زورخانه،چند دهه است که جایگاه اصلی و وظیفه و ارزش اجتماعی-فرهنگی قدیم خود را از دست داده، زورخانه نیز دیگر آن پایگاه و اعتبار اجتماعی سنّتی پیشین را در جامعه‏ی امروز ندارد و دیر یا زود مقبولیّت و جاذبه‏ی همگانی‏اش را در میان مردم از دست خواهد داد.

به نظر می‏رسد کار مهمی که در این زمان می‏توانیم بکنیم،این‏ است که به پیروزی از نظر گوستاو لوبون که می‏گوید:«وظیفه‏ی‏ مردم یک جامعه،یا یک قوم،حفظ کردن نهادهای فرهنگی گذشته و تعویض تدریجی آن‏هاست»،ما نیز باید زورخانه و ورزش‏های‏ زورخانه‏یی را،پیش از هرگونه تغییری در ارکان آن و جایگزین‏ سازی و سازگار کردن این نهاد با الگوهای اجتماعی و فرهنگی- ورزشی جامعه‏ی کنونی،به همان صورت سنّتی اصیل قدیمی‏اش‏ حفظ کنیم و تداوم بخشیم و آن را هم‏چون یک نمونه‏ی تاریخی از مجموعه‏ی بازی‏های ورزشی کهن ایران برای ارایه به نسل‏های‏ امروز و فردا و برای تحقیق و بررسی پژوهشگران تاریخ و فرهنگ‏ ایران نگه داریم.

بنابراین،از آن‏جا که زورخانه و فرهنگ ورزش‏های زورخانه‏یی از مجموعه‏ی میراث معنوی فرهنگ شفاهی مردم ایران است و امروزه‏ شهرت فرا ملّی دارد و در جهان شناخته شده است،پیشنهاد می‏کنم‏ که دست‏اندرکاران و مسؤولان ورزش ایران با گردآوری مدارک لازم‏ درباره‏ی این میراث ارزشمند فرهنگی،آن را در کنار چهل و چند آثار معنوی فرهنگ شفاهی دیگر جهان،در فهرست«شاهکارهای میراث‏ معنوی شفاهی بشریت»در یونسکو به ثبت برسانند.

کتاب نامه

1-بلوکباشی،علی،قهوه خانه‏های ایران،تهران،دفتر پژوهش‏های فرهنگی، 1375.

2-بلوکباشی،علی،«تعزیه خوانی،سازگاری و ناسازگاری با ساختار فرهنگی‏ جامعه»،نامه‏ی علوم اجتماعی،ش 11،1377،ص 31-41.

3-بلوکباشی،علی،«نهادهای سنّتی-مردمی:نقش و کارکرد و راهکارهای‏ بازسازی و احیای آن‏ها»،نهادهای مردمی و فرهنگ عمومی،تهران،معاونت‏ پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،1378،ص 57-60.

4-بلوکباشی،علی،«پدیده‏یی به نام لوطی و لوطی‏گری در حیات اجتماعی تاریخ‏ ایران»،فرهنگ مردم،سال سوم،شماره 8 و 9،1383،ص 99-105.

5-لوبون،گوستاو،روان‏شناسی توده‏ها،ترجمه‏ی کیومرث خواجویها،تهران، انتشارات روشنگران،1369.

پی‏نوشت‏ها

(1)-بلوک‏باشی،1378:57.

(2)-همو،1375:9.

(3)-همان،130.

(4)-بلوک‏باشی‏13787:58.

(5)-همو،1375:138-139.

(6)-همان،139؛نیزنک:همو،1383:102-103.

(7)-همو،1375:133-134.

(8)-همو،1383:103-105.

به یاد بدیع الزمان فروزانفر

دکتر مظاهر مصفّا

در آذر 1383 مراسم گرامیداشتی برای استاد بدیع الزمان فروزانفر در بشرویه برگزار شد.به همین مناسبت گزیده‏یی از مثنوی بلندی را که دکتر مظاهر مصفا پس از قصیده‏ی معروف خویش برای استاد فروزانفر ساخته است،در این شماره به خوانندگان ارمغان می‏کنیم:

ای فروزان آفتاب خاوری‏ ای به قدر از آفتابت برتری‏ کیست از تو در سخن چالاک‏تر نیست یک تن از تو پُر ادراک‏تر نکته‏دان رمز خاقانی توی‏ یکّه مرد مثنوی خوانی توی‏ پیش تو سهل است صعب انوری‏ در صعوبت‏ها کنی آسانگری‏ فهم حافظ از تو دارد انتظام‏ هم به تو شعر نظامی را نظام‏ نظم عطار از تو جان تازه گرفت‏ شعر مولانا روان تازه گرفت‏ فرد عرفانی فریدی در فرید در سنایی چیره در ملاّ وحید ملک عرفان چون تو فحل و نر نداشت‏ داشت امّا چون فروزانفر نداشت‏ چون دم از عرفان اسلامی زدی‏ آتش اندر عارف و عامی زدی‏ از تو شد روشن چراغ معرفت‏ گشت خرّم از تو باغ معرفت‏ حرف تعبیرت کند افسونگری‏ ظرف لفظت می‏بترکد از پُری‏ آن قوی بنیاد چون شعر بهار این چو رنگین چامه‏ی من پُر نگار دیریاب آن هم چو مضمون امیر این چو آهنگ امیری دل پذیر خویشتن را در سخن آمیختی‏ مُشک از خامه به نامه ریختی